	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	اول اصلاح انتصادى	شیاره ۱۱۴	سال ادل ، ز.ن
111 - 11 - 11 - 11 - 11 - 11 - 11 - 11	۲۹ ديمية - الدراجه		AND AND THE AND	دو شنبه ۲۱ اسد .
اى كتبى المسراى كلى ارسال لمبعود	ابن روز المة بدون الال		صاحب امتیاز و مذکر مسئول ا داور یکی	
ا فتر ( الشر : ۱ فتر ( الشر :				
ار بور بر در مرده در از باره در مارد میشود. محمد می محمد در از می محمد از مارد می محمد از مراجع از از مراجع از م از مراجع از مراجع می محمد می محمد می محمد می مراجع از م				الملحة إول مستحد من مساري ملح
		1219	المتجرب المجارية المحاص والمستحد والمستح والمستح والمحالية والمستح والمستح والمستح والمستح والمستح والمستح والم	صفحه دوم و لنوم ا م 12 م 2 2
بو عماد الد مدوع بدر خدام بسوم کار				منعه بهارم در در در الم به الم به الم
دپاره ۵ شاهی است رو ۲۰۰۰ یا میرمد.				با الله و على اداره : ظهران : خابان لاله و
حاضق العدمة المالية عمد الميام ،	لو اخانه نظام	خانه جات بزرك در مملكت مياورد و مؤفقيت هم حاصل كند	یک دسور، میشود آز میان پرد. ایک دسور، میشود آز میان پرد. میتندور بزرگترین محمت هسا کیرای	مى سى مەربىرى كارى مەربى خىرىدا . ئىسى كەلغىر كەخ ان بى كە ?
the second se	A CARL STATE SALE STATE OF A STATE	Barrier Barrier March March Barrier Barrier Barrier Barrier	رُسَيدُنْ بِفَلَانَ مَقَامَ بِنَ تَبَاتَ وَ بَكَ مَنْفَعَتَ	به الماني مدير - خاطر داريد دو سال
د الاستان المرکن و المیوری و المیور المیوری و الموری المراکن المی المیوری و الموری و المیوری و المیوری و المیو در الملاص المیاوند الاران معنی و المادیور و الموریون المی المیوری المیوری المیوری و المیوری و المیوری و المیوری	ر و التزام در مدت قابل از مسمو میت اقبون	از روی بی اطلاعی خرف میزنند اینهای به محمد میشود به مناسل می		ایم قبل وقتی که الزه از اروبا مراجعت
اعم از اداری و کشوری را پطور کنترات خلاص لیاید ۲ - ۲ - ۱۰ - ۱۰ - ۱۰	المرة اعلان ١٢٧ ما الم الم الم	در بلك جريده نيرية بيش از اين نسبود اهميت را خاطرندان كرد : إزماطرف	Contraction and the	د. او آیودید در باب روز اسامه او یسی جس <sup>ه</sup>
	I THE GREAT REFER ATTACH	كَمْ مُسْلَمُهُ رَا ذَبِهِ وَ رَوْ كَنْهُدٍ مَنْ بِعَنْهِدْمَانُي -	است ادر این مدلمکت کار کرد ۱ ساحبروز	ركفلو ا حدب المحمد الم الم الم الم
وإست تتعبأت بالك بمزددة رؤشان شافيه ا	مراسم لودیم المانین می المانین مراسم لودیم المانین المور روز کدشته اینج ساعت یعد از ظهر	عمده عدم موفقيت منايع در ايران فقدان	المامه که هیچ کدام زمامداری است کاوتو اند	شما می خواستید روزنامه ااسیس
محول کردیدکاندی (بعثیر ماعلی ورایه اینی که محمول کردیدکاندی کردید) این معامد هاه این از والی از والی معامد داد. معرفین اینیا والی این از معام معامد اینیا (	اروز كدشته بنج ساعت يعد از ظهر ا يكصدو بينجاه نغر از وزراء لو شاهنادكان و	را. تتوسه و را. آهن است ۲۰ آلبته ساخان	بدو نفر مطمئن باشد ــ جهار نفر رامحرم	د. من باين ، امر هي اعتفاد اداشتمن
	به معلو بیجاه این از ورزاع و شامه دین و زجال بز کلحسب دهو ایک قبلا از آنها شده	والا ميني معارج وارد - صرو ريد مم مواهد	بسداله - با شاش نفر الشبة اسلاح	البته می دانستم با ابرای که در خلق ا هست دلالل من پی اثار می مالسه -
مانای ( این می این میلان می مانیا می ایا در جواب کارخاند او شن ایا ای که در جواب کارخاند مانی دری دور.	رجان پر حسب دعر به مایتر او ۱ به سده اودا به- عمارت ۱ بد. کدا با ایاس ایم (سمی-	0	یکند ؟ هنوز دو هفته از ابتدای زمام داریش	را بالی و دران من بی ادر می می است. با بالی و در بالی بی محص هما مانیع از ایسن
مانزيهای الاحتی میسازد وسرفی جارا بواتی	حاضرة شده با والاحضرت إقدس ولايت عهد .	الحراهة شد . كان من كنم من السان بافكري . أبن بسلمه ترا كسديق كند و مختاج به ادله ا	المذهلة بك مرابه خبر مي دود كه فلان	له له المَنْتُينَ الكوامِ 12 مُثْلُها من قدر كالسم
را باعتبارالهاخواسته بودازوزارتفوالدمامة بودازوزارت فوالدمامة	مراجله ٢ لوديم بعدائه ويودند ان أنجا والا	روعن قرى كماشد .	وزبر ظامرالملاحش مشنول بغت هم الدازي	يده فكرد و بعد از در سال بالاخر .
بود ال علوميديوسه عدمة علمه من الجارية الوعالة الم فرق الذكر ممكن است وقي تصديق المتهادية	حضرت براى تحصيل إجازهم خسى يحضور		است - مُسَلٍّ دارد اودش وليس الورزاء	بيدن في 5 م منا مع من
ارى المار مدين المت وى المدين المهادات . آلها الماكن ليست المدار المار الما المار المار	اعليحضرت هايوني شرقباب شده پس از	المدينة المراجة مرماية متكفت مدار		ور ایجاد ک این جروز اینا ایک
and the second second with the	وداع با الهليحضرت شهر با رفي با كا اسكه	كرور لومان - براى أبجاه ان إبد يبدأ	وقق که - إسلاح امهوز - پرجسادها	لا كا دعن ماية (منا توزو المه طريسة ب
ا دروجرد جنس می فریدند دی. ۱	مصوس و الجلبلا الكانبلا از طرف وزارت ا	the is a president of the second stars	و مرزین اللدر بی حقیقت و بی حقوق	عوياتيد عريقيا مدي والتعسد بالمخاص. ٩-
رأيس فوالد مامد ان برعجود الملاح مرديد	جنك و اداره نظميه از سواره نظام و	برای حل این مسئله اید دید دیکران	اینند از شایر مردم به توقع می شود اداشه ۲ نظری بی بر طبق که بینی	والعلم وحلمة بلين كان تحبيه كردود
۸ دوز ۲۰۰۲ و هفلم سرطان کسیونی من۶	غره لهبه شده بود بطرف باغ سردارمندم اسم الفاري المحمد المراسية المراجعة	جا محفرده اند ۲ امکو تیزمایه وینت و جکوله در تممللی داخل و ای از آن		ینی ایران کین و دانه از با ما ن به د مورق موکع یک عمردهمین
اداره حکوملی خرب از معلون حکومت	اً حرکت آزدند جنتنی از ارجل وانشآامن آد کان در رست این ، بسایل والا حسفرت ،	المجلس موسود ، في ما المعاد مراد الرجاد		رای خودگان دست و با ردید. فخش
و بهاسته سادف وآسه فن الو مجاد وجند	Repaired to the second of the second	الميا من المدين من مايد الكيني المايي الم	دوح ابرانمادغل شده مابن درددا سرسوى	م بقيا دادند – هو چې دما وا دليسال
انیز از السناف تشایله و عمرد، کرتایه سویله. کلبه آمته وروجردرا آغازته باراستوا بداین ا	المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة	است که سرمایه داخل ان میتود و دیسکی		وم الملة لاسالي هم سر جنبا ه ال مم
مید است وروجردرا معین میلوستان می درایدی. اموده او سط طرفهای خودشان به درایدید	روز کذشته ، جلسه میثن ،وزرام دیر مهم،	اعليار آد دولت است - معضوسها از ر	قبابه كرفت : ١- سريك شخص فوق الماد، تمي	الما را قبران دارم حول موال الم
استه وطنى إوسال دارند ، ما ما مدينده	المكبل كرديد امروزنهز أقاى ولهيئ الوزراء	نظمة لغار اخلاقي ويسمي كم يول يسملكني	ور به به به معنی با می است. محمومی از بر می است. در به به به معنیه معنیه و معالی از دست. عوام :	Burne in the state of State in the
	پدربار فثريف خواهند اورد	مبدهد بابد اعتماد بمكومت آن دادته باند		الما، كارى كار بور بامد بلادا براط اباران الما ان كوا است في الما المالي ا
ربغان با جملند فرقة الطبة به المراجع الم	الم	و بداله که سرو کارش با دولت . محیط السل	مال دلاسان می خواهند مال. پنورسیدا	ولدان، نور است این و در المه ایشود.
جوف زود المبلغلية منداكران مطالم رثيشها	فرماند مای فاوس فرمانا پالت قارس شاهزاده صرت اقدو 4	و درستگاری است که بوعده مای خود وه می کند .		الم المراك مابر - ألنه كما المحالية الم
المايتكار الملع وطنى كليل التلد المرور	بسحه مايولى رسده للكرافات ايال إيثان	ی	이 사람이 가려 가지 않는 것 같은 것 같아요. 이 가슴 날았던 것이 같아.	
انج بعد از نامر جاسه هیئت رایسه بطور	in the second	and the standard of the standard in the state	كرديم يك انسمت از جرف جاعريتها ادامم	يك الطبل وسيع را يكويد و بر
فرق الدادة تعليل خواهد إفت	عایر، کردید کنرانی قرار داد کرک روز کذشته مجلی کنرانی قرارداد	متقدلد كالدول مقرق زمين جدى ابسلند	السديق من الايم - ولى جنون كا الي در	تهد ا ز حبوان – چند رامی قاطر جنوش
انج ن نظلونا مرکوکی ا	روز کدشته مجلی کنرانی قرارداد	و سر قول خود هیجونت نمسی ایستند .	مزاج ما راه بيدر الكرده : مراج ما ستقديم كه بالأخره سمادت ابزور	و بك مطار شدر ديوانه هم در ان مبان
روز تدمته أنجمن ظارت منكرى اللمنابت	سرکی بین دولتین ابران و روس درممارت	ا باین مجهد است که وقعی شرمایه کاران به		درست حقق الريخان منه ال واريان عبر و من هدهه المعني المعالي المعالي المعالي المعالي المعالي المعالي المعالي ال ما معالي المعالي المعال
در الحت (المنت العلى "البنم "آبادى بلسويت	وزارت خارجه تحت وبإست مسبوشونباشكي	دول فرالسه الأو الطبلي لا ملاليد الشلا		ما بن آسهاریا خوب یک اسلام الم بد بنای عبواله المواباد (بلخت بیدایکی د ۱۵ م المانیکی می
آتابان المين المتلف وتوق المتلطنة - اقتدار المؤاد	رايس ميأث المابتدكل ووس بيج بسارطهر	قرض مبدهندا ابدا و تبقه والضبياني مطالبة		الم باد الم من الم
-إوجد السلطار فزويني - ورزا حاجي أقا-	ا لفکیل کردید و بینوادانی کا از طرف مواد بارمود اور از از میکند.	العن كند ولى همينكه محبت إز استقراض		
- امجد السلطان قروینی - میرزا حاجی اقا حربری- میرزامیتود: شرکت متفقه پاحضور آقای ادیب السلطنه حکمران نشکهل کردید	الما بلدگان (بران الهیه شده بود قائرات شد ۱۹۹ ه ترسی مع بهیه میشود از این مشرکت	كون مدرق وبين مد ون مروسي مي مي	از مان اقتصادی	
اقاى اديت السلبانه حكمران فشكمل كرديد	و مذاكرات با طرز مطلوبي خاكمه يافت	and the second of the second	S. R. And S. L. & Star	tea . I hill be and i su

آتاى اديب السلطنه حكمران شكبل كرديد	و مذاكرات بأ طرز مطلوبي خالمه يافت	بملكة وإدل والمعمينات إست .	the first state of the second strength of the	
درسيه أرأه لواسانات زايراى الملاج احتساء	جأسه ناساعت هثت يعد ازظهر طول كثبد	د با د آرد	۵۲ فکتو کتب مهم	الاعديام تشببت - فاغ الدال ابن محشر .
				خورا. بهلشا كرم ف الأد الران فتادا
جديد قحت مطالمه كذارده و مقرر كرديد	ايت از هند به تغليس از ان گر چ			عليهمة من إيست سنعا جه مي قرمائيد
که پس از دقت کاسل در دوسیسه قوق	از قرار اطلاعیکه بمارسیده آقای معززالدوله	. معند احم رسطری - مدور -	بلی ا ا ر حاب کنید جواهید دید	وبايد الماعا كرد يا رفت خودى يميسان؟
امروز وای قطق بدهند ۵۰	وَزَيْرَ مُعَةِمٍ هَندُوستانَ أَزَ طَرِفَ وَزَارُتَ أَمُورُ	به الدر الدريف قرماني بدور	الهيبج صاملي فرايران امروز رونق يبدا	الداخت - لكد خورد و يخيال خطبه و
St. Cathennik & State	خارجة ما،ور الليس شده عما قريب به عل	مدن	المغواهد يوارد الجن داوير الحبي كا بهاو ي ا	ورطه إفتاد ١ ٢ ، من ما
• الله المساهر الملا وزير الار الواراد العواكر	مامور بت خودشان حركت خواهد كرد ال	اعليحضرت همايونى از ماخبةرانيه يمناسبت	ر ا مهمترین علت آناین است که ما وسایل	يو ديون کي ڪري ڪري ڪري ايڪي ڪري ايڪ ڪري ڪري ڪري ڪري ٿي. 1951 - ڪري
المذار والمجموع مناتات المسالة المعالية	م و الله مع الم الم الم الله الم ال	الميعصرت جاوري او معندرية المعنون الحركة : والاستضرت أقدس ولايت عدديشهر	حل و لقل الداريم • باين دليل مثلا قندى	ب الهو باين معلكت هيچ اصله و قاعد مأى .
where and an end an any more than the met of and	به تو تعدید و میکند. چون ایندرات مستر بوکار رابس با ناکابران		که در کبو( بکی ازشهرهای روسبه ) ساخته	المست الم المجالي الم شرط هاي الميشود
Stars he down we will be Sugarden	the first in the second second second second	تشريف آروده من الماري ال	شده از فندى كه در طهران بسازات ارزان	
المنطقة بمركبة مان مع أن مسال و بأريبية لا التانية من التاني حلي معروا محمد وأعظ يسر مانية من التاني من معروا محمد وأعظ يسر	منقض شده ومستر (کلنهن) کهجدیدآیرای	المحمد المعالي المحارجة والمحمد المحمد الم	کر به بریز وادد میشود مخت	ايداً كمي قمي دائد جة بايد بكند ك
مرجوم حامی محد رضا همدانی که درمندی	ریاست بالله کنتر آت عده بوداز آمدن با بران	ووز الدينه بكماعت قبل از ظهر آقابان	الدامات بمنشى از أجار ابرابي شما را	المانش بدهند _ معلوم ابست از جه آداهی
قيمل بزيارت عتيات طاليات رفته ، يودنسه	، مُمَدَّرت خواسته است لذ <sub>ا</sub> امور بالمُكابيران	المثفرةي خارجة لحقوما يدربار آمدة مجراى تؤاديع	وم التعياء المنداؤة 1 سين 1 ما مرج المنوع 8	واد رفت كم متمر شوشما الدوند - بالألرين
مراجعت لموده دو روز ابنت وارد طهران	اضميمه مستر مكاسكي لخزانه دار كل طواهد	الحضور والا الحضرات ولايت متهد مل فهاب	ا ار بعض ما كه تحصيلات مجارتي تدارلد	دشمنها وا بأ يله خوش و بش يكوقمة
A ris here the first we want to	مد دَرَ الات آخرابجان ف خراسان کیلان		المرجرايد من أويسند ايرأل ميتوالسد كار	قربات درم - در بهت مناسب و منتها
The make werk the allights to partie and the	ky ktore at for special the sub-strange television of	and down affecting & motor has in the for	( islam any set in the set of the	
recen lightly of heart free in sold the	وأوجره فالمعالية المجرية المجرية أرجره الأر	at the social by myst the grant theme	in the state of th	ist when the transfer when the explanate t

inder Tanis

المي آوند و تا قوه ادارد از دسالس اقراطېون چلو محکېري میکند ( ر ) . . . گو \_ رفیق رادك در سر -

مقاله روز قامه براودا مينويسد : در اخرین مذاحکرات رایدتال المان که کونو رئیس الوزرا نطق راجع بوضیت يبن المللى المأن ابراد نمود الرانى اشراف المآن اشكار كرديد در بدو أم اشراف المأن حكومت كونو را با مرت وشادمالي للق لمودة امبد وأز يودندكه ابن حكومت بهتر از حکو،تهای خورد، بورژوازی دست تورانانی در مقابل متفقين نشان خوأهد داد موقعيت مجددانه كونوباشنال (رور) معدادرت المؤده و جواب كواو. را از ابن رأه داد رثيق الوزراي المان خود و اشراف المان را بدين أميد اسليت ميداد كه اخر دولت الكلبس مساعدتي خواهد أمود حكومت المان هیچ مانند کرد که دولت انگلیس محض خامر المان با قرالية داخل ميارزه اشده بلك ب حماب خرابي المان منقهما با كمك أأمان برضد فرانسه مبارزه مبكند . اكتون كر لو بظهار ابن بيانات مجبور كرديدك : • • به هرامی الکامیش <sup>ایا</sup>بد ابید وار بود مذاكرات مستقيم با فرأت المعم در حكم سابم كعله عدوب ميكرده ين جه باية مسكردا مقاومت تتج مستقبمرا ادامة مله جميم لوكن مقاومت غير مستقيم هم حدى دارد .

ال بجدد مواد الجرارام الملي حديد موطري لمود ابیکن مرغهای دهات برلن هسم این بركرلم ميخدان وضعبت آليان اقدامات موثری را الزام میکند بدین.منی که حکومت اقلا قسف اسهام سناعتها وغيره وأكشقه المتامي فرجه و المنبس الوليدات و المجارت وماليه أمت بدست كردوبرعلبه سوء استفاده المحماملات الدامال أممل أورد لبكن كونو الم وشت تشانده أولب شناعت و كار فرمايان تابيت عمة اوالد ير ألها مسلط شوه، عمام از يشبق الوزواء قرائمه و سفير كبدانكليس در ا واعضاء كديلة دائي وأعضاء تنبيلة اجرائية

التر وبر بازوى او بك خبر بزرك مشاهده مبشد كحه دُحَمَانَ جوانَ تتوانستند تشخيصُ بدَحَند عبيتُ · آن لَوَ أَكُمَ وَأَز هُمْ أَ قُمْ تَرَايَنَ جَا باعد آنوق يكرنيه لهي بسرعت حركت مبكره ال ازديك تحراب صومعه رسید. از آ لمجا تیز کششته پجالب در خرابه ای ک در آخر حياط سوممه واقع بود شتافت و يعد ازاندي مک کردن از نظر معدوم شد قاعدناً بایسی آ ن در باز بود زیرا آیدا صدای باز شدن در مکوش ایشان نباسه المستشموزان إدخة محويش ويمند كفت : -این خضم از لوی طالات امد ۲۰۰۰ ، کر 

موطيقة بالني عمارت زبرياي آنها قراردأدة بودندو روشنائي مستحمى آبز از اطاق طبقه اول بَبْدا بود و غفلتا بك الفر دیگر که اوهم جبزی در زیژ بنل داشت از بلا خانه الحاق بانين آمد از از مان راحي كه اولى رفتهبود مستواصب والمحمد ويعرب المحدي ويورد أتبو الألويون

أسوزان أز وحثت دست إدابان ريدند الداخله حكفت:

يركرأم مقار البية المشي يراب است کاینه کونو حال مرده را دارد و هیچکی أبست که زنام امور را بد ست محتبرد الا طبقه کار کر که پنجش این که تردید. را كنار كمذاردة و إيمهنده دار شدن متقوليك المأن تصفيكم الموفد فيتواقدا در حان حمين . كودانان بمال أوردة الموقلي كه ابن موقع ارتبده اشت خرابي المان ادامه خواهد والحت ( ( ب الح م ) ، وال والح من الأ من الأ ام ارزاق و زادگانی در ( رود ) خپلی سخت شدً م ابن دو المقبب فقد ان يو ل است که ماارم از مدادلات اجراری شده المت والمجاد والمعادية المروايات ا ممادن ( اوْی سن ) در (دن بورن ) المطال كرده أالد . در اثر انتذال اخیر معادن ( مسورت فلد ) كار خانه مركزي ماشين هأي الكنريكي از آب شده و در، اینمو شوع شروع به المقبق كرده الديه جرياني المجر المح جريدة انكلبني ( دياي مبهل ) ميتويسدنقشه المان أبن است كه قواى زياد هو الى خود را در صورت ظاهر عنى بدارد لأز خوقميكم تظار متحدين مشمول فماينة قسمت خارجي كار خانه كثلي ها بودة المد ملفت شدة الد كه به بهاله أجلد كمعي سازى قواى زياد هوا يبما براى بن يارمان كهبه و معلقي من المايند. الم الم المالية ال ( دیلی مبهل ) از اخبار فوق تلبجه مهكبودكه فرانسوى ما آ ابه زا إطور واضع روشن مى يىنند خجريفه مذكنور ارزومند است الكابس ها بفهمند که اروبا بك روزي مر مقابل قوم يخطى فال هوا يدماي السان إبدار خواهمة ( **ب ۰ ټ )** ی این - علی ملی المان پرای موازنه بجودجسه بركرام مالبات دولت را تسو يب نوده است- به معالم از ب ۲۰ ب ) تعاون سياسى ورجي والمريد بي ال دول

المجرية فريش - جرائه إعلام ميدارند كا

المرد آزاد بالمراجع

موضوع يبتنهاد أماون سياس يقنصبل ذيل الاقات كرده والد بالمثلماد العاون سياسي قدد مدكم كه مالك متاهد متمهد من شوند كه ازميا، رت بجنك بتصد حله خرد دارى نمايند .... يس از اجديد الاح ممال كي كم مورد حمله والمع بذدة كمك ميذوات الم يعادلا مجمع الفاق مال مملكتي كا يقصد حلة موادرت وجنك كرده أمين و لنكيص اها داد که جکونه بابستی ممالتی که ورد حمله واقم أنده كمك بنماينهما أساسا منج إلى از دول متماهد مجبود أهر أهند بود. کارچ ازقطه ای که دو ان واقع شده عمليات الظامى بحرى هواتى بنمايند أو

دولتي كه ميادرت بحمله كرده مخارج ابن عمدات زا بابد بد هد 🔬 مما ای که در مجمع انفاق ملل عضویت تدارآه درأ شورت رشايت قرالسه والكابس سمکن اعت در ابن تعاون سیاسی شر کت کند 🛬 🖓 د ب آ الکان ا**، فرانسه از آنکایس ا**ر می ا یاد داشت جدید انکلیش در فوضوع امات در: ١٩ - أسد بعنوان وزيتر عقار السه مقيم لندن إرسال شعب و در روز بکشایه پیاریس خواهد رسید که فورا پرای رئہی الوزراء کا فعلا در پاریس تیسٹ ارسال 

الله فظنوعات طارحع ا**وناع بلنار** المنوفية ٧٦ زراجن ٢٠ در وقدم استا ميو لپلسكي ) رئيس الوزراء كهدر التبحة كودانا كرر يخته و إقال رسبد از لرفداران وي بعثين رمايا بالم بر حفقاد نفر-مقلول ومجروح کردیده در مورکیکه بلغات أشونيا لتم بر سي الفر مقتول و ينجأه تفر مدعى المموم ديوان عالى كمز كلماوزاه

شار، ۱۱۴

سى فايرت سى ماھە ارتبس كل مالية أيران الملك الأجواب مهتوله الاله به was to a specie at the to dealer and the species which i يقده أزشماره فمل The and the termination of the second قسمات فبتحرط بالم ملمة المنه و حس ودواء اور باريه محمد المنام معتقد بأذ راء تاباله معدر آرلى در ١٧ ما، من ١٩٢٣ رياست ادار، ماليات غير مستقيم را عيسده دار شد و مستر مبجل رئیس سابق آرای ریاست طرق و شوارع بوزارت و اندهامه منتقل بسردید. ادغام ادادات مالیات مستقیم و غیر مستقیم مستنه شمیمه کردن مالیات های مستقیم و... غر مسلقدم بكديكردرولاياتكة قبل أز ختمسته باسية دو نغار كرفته ده وكا حدى هم موقع ، أجرأ كذاشته شده بود در مدت سه ماهه اخبر كاملا إلمجام بذير كرديدة احت وينهم فنعه المساين اقدام كه إراى المكالات ماليه موجب استحكام اساس يود دجار عو ايقى ا عد كه خلاصه ان از قرار ذيل است المحمد الما المحمد بهاية ال المعامة الما وال المسلم معتقيم وجود داشت باعلى درجه شدت رسيد ومدين والمراجع المراجع المراجع المراجع والمعادية فتسعها ۲ - بر اثر تجدد تشکیلات و عملیات آن و در نامج، بك دوره بی لکامنی موقتی طبعا در این کونه موارد. ایجاد میشود امنای مالیه و اداره مرکزی واجع به بودجه كرمهم پرسنل دچار اشكالات شداد و حسنجريان أور بواسطهابلكه عامورين دراشكملات جديد هنوز ككاليف خودرا ملكه نكرده بودند مختل كعائ الم فيهيدها فسالية ٣ - أعداى ادارات مالمات غير مستقيم خون از موجبات تو ممالاحسامة أفيسالسي ين المُبيرَ في خيرٌ بوداد ممجو المور كردان كر إين أقدام الكرارهدايات المؤور الزباري اعضاء ادارة ماأيات مستقيم فيباعد كم حواسة الد آلمة وأ در المعت تجميد عود دوبوريد بابن لحاظ مابوس والخالت روحيه سرويس متزلزك تمت الم عنا به الارد لب الم الم ٥ - دو بشنى موارد ماسفاله إماى ماليه ممود بندى تجبرات دو ومعلكالهاي عبر مستقيم مرعى دانتند كه ادارة را از عدمات اجزاء متخمس محروم ساخله و وين جهت عمل النتيش در اغلب الناط ذهر كافي عد . شالم طبالة به وادارو، ويعد والمراج أغير قابل الكار است كه حدوث إشكالات فوق الذكر بيني اسكالالي كونماما موقفي بودا بعالجازه دوبداديك صديمي كالمتبتى والماس وحكم فبناف المعاد بدد مليه وجنبو غشرود وسوان جب المراى ادار، مذركزى لازم يود الداءاني قد رفع إين التكالات وسل آدرده موجد آن ما را بر طرف نماید هم المحمد العمل من المحمد العمل الم اقدامان که برای وفراشکالات بعل امد برای اینکه حالت درجه مامور ان ادار مالیات غير مسلقهم ثانها بي قرار محكردة اقداما في بعمل آمده و بقوسط أوراق متحدالمال و يمسى دستورات كم أز وزارت مالية و اداره كل ماليات غير مستقيم سادر ديا مساعاه آرات ماليات غير مستقيم در مركـز و ولايات خاطر إنـان كرديد كه كابه أعضاء و أجـزاء جه در ادارات ماليات "مستقلم في حد در ادارات ماليات غير معتقبم براى لمرقبه مركبة ملساوى حستدو زوية مركز كل تسبت بانها بكمان خواهد اود دريشى فللط فم أز قين تبلان همدان ملابر الهاولدامناي ماليه ازاعضاء اوارات ماليات غير مستدم أللغان شدائد معد برای جلو کیری از قاجاق ارباك و پُرای مشتخبص دادن اللک تأمورين ولايت ا المداره احتمام و قوة حراست در كار بعرج مبدهند و براى تثبيت تطارت اداره مركزي ر عابدات تشعة كه ذيلا شرح داده مي دود المعاد شدة است حدث المعاد المعاد ۱ - بولایات شمالی که از حیت سرف نریا یا اندرل شد، متراکز عمده میماشید.

> الم ریفند کات : - کی یکک یا خواهدامد ۲ . دیدر او می رزند و خطر ناك می شود به ا المجسمية سوزان فحكرى كرده كفت المتا ومراوكرم ارا خبر کی سبم اخبار کار می کد ؟ بنای ا رَبِمَنَّدَ دَر جوابُ كَفْتْ : يَجْلِي أَبِنْ خُوبْ المكرى المت الم المن المن الم الم الله الله الم المان المان الم و إحمت ديوار إطاق كه بهلوى أن لخت خوايش واقع بود رفته و ثلث را ببدا كرد، و با الكثت بروى دکمه ان قشار اورد آمر دو کوش کرده صدای زنگ را شنبدند که در سکوت شب بخوی شنبله ما میشد و از اوردم 😳 👘 از شنبدند که در سکوت شب الای ۱۹۸۹ کمیت و إنعكاس أن در فضاً مي وبجهد بعد كمي مناظر شدند سَكُوت مَوْحَتْي حَكْثَرُهَا بَوْ دَ حَتَّى نُعْبُمْ هُمْ شَاخُهَا ي درختان را بحرکت آمی اورد صوران انگرار میکرد : وأمند من من لرسم من من من لرسم • • • در ابن النا إلبار مهمه الزاعى كه بين دو قد واقع شود از زير

بالاخره فريادهاي شوم و ضحه هاي يكفر كه او وا مرارمنيد ببش از ابن تحمل را جابزند المته | جطور شدى ا دوَيد بيلغت در الحاق در را ياز كرده از دالان كذشته التفاكي يسوزون كه از يُعت سر او افتان و خيرا ن مَنْ أَحْدُ الْمُودَةُ بِلهُ كَانَ رَبٍّ كَرْفَتُهُ هُوْ بِسَرْعَتْ بِالْبِنِ الْمُدْ در طالار ولى بمحض رسيدن مان دم در ايستاده للمحبِّ قادر أبر الحر أن المداء ( المذكس زد ) باسله سه قدم از او یکنهر که قانوس بزرگی دو دشت داشت أيسداده بود المحجمة في أنه دختر ها إفعاد فالوش المانة المانة المانة المانة المانة المانة

المؤدمة وهد إدون أالكه هيسج العجبل كمند باكمال مقاات آرامی کلا، خود را سر کداشته و یک ۲ که کاغذی آبز كه در اطاق پود بر داشته با احترام از ایشان خدا حافظی آرده از اوطاق "برون رفت سوزان با بی سیری بلى أنها شنبده شد بلد سداى لمبلها و اثانيه هالى كه المام دويد بسمت أطاق بدرش كه مجاور طالار واقع بود شدا کنیم کل پطلیم یا ۱۹۹۹ مشاهد شده او زمین کم ریخت بعد مدای قحش ما و قساله ها ول منظرة معتدا ک در آطاق در زوشالی ما، درندس

افتاده بؤذلد سوزان مثل ديوانه ها فرياد بز كشيدة به رَوْى نَعْشُ بِدَرْشَ أَفْتَاد وَكَفْتَ بَنَّ بِعُرْ عَنِبْرَمُ لُوَهْمَتْ ... اله الله الكنة وبمورس أدر مووان بإحداث تعيف الله مودة كمن : - نه بابا جان قدش لكن من طوري المده أم برو سر وقت داوال به بين زندة است يا من . اَجافو الله جالو ما بيرون آيآوريد با الم المله الدرين بين دو ال أز قركرهاي كيت وأود عداد المعم والمند يسمت داوال رفت داوال منشى و يسكان كَنْتَ خُرْقًا بِعُونَةٍ خُود بارتَكَ بُرِيْكُمْ خُوْلُو بِدَرْأَةِ إفتاءَهُ بود توكر ها با شمعدان تيسر وقت ماوال آمدكد ويمند آ آما را بحال "خود كذاشته دويد در مل لار تنكى به

Var. Martin T. A. Oak

الم والمراجع المراجع ال

مَبْحَ آوبزان بود بردأَعَته أثرا بر كَرْدِه وبِش خوه اجسین قصیر می کرد (بشتر از ... ثالبه بست ک آن دود از اینجا فراز کرد. لاید حالا با نین تردبان رسبد، زیاد دور نیعت مبشود او را اشان گیزد و به المما واكرفته رفت باطاق خود از أ قمعا ديد كم وأقب الموداومات المنافع المراقع والمراجع المراجع المراجع

a high of the to 71 اخارخارجه الهابت صنعت خاامه بافله اخذ آراء بعدل آمده عفادل لدكر أن علقريب تيت استأد ? بكار، من أفتد مت الله الملطار ومول مندوق أراءجابلق کمکمبلات اماره ثبت اسناد در وزارت ی در موڈم دیدن کردن ۔ وقتی ۔ صاحب خانہ پر ضمن کمارف کفت ہ ہوای ر ئىس جەھور ، متوفى ایر' پرود را دارند که قرائت آرامتروخ دياروز تجندان خوب تهود و إز اقوال حضرت اجل عالى امروز خروب شدهشما يأيد يا عدليه امام شده مشغول الهيه دفاكر ولوازم \_ واشتكان ٨ \_ بمجرد الكه أمش A the start of the second s ادارى أن هستُند عما قريب ان أدار منارح سراحم كردن و امثال اين اشارات اظهأر شرمندكي يكنبو ، اكر مي خواهيد مجلس بهتم. الراء فيروز كوه الم رئيسي فقيد جمهوري از قصر ابيض خارج و شعبات أن شروع بكار خواهند امود اکرد اید در جواب بکواید: ۹ می است است ا کتت بکندر شیپور جی قر ایوان قراز در. حكومت ومفتش إنقطايات فبروزكوء ه موا از وقلی خوب شد که حضرت تستطاب عالی آجازه قرمودیدگفرفحاصل عدايه بودجەمى لويسد، ٪ ، ، بېدېشده و شېپور خاضر پاښ کديد . فورا از سمنان کلکرانا اطلاع می دهند که در Margar Anna an anna a اذم باأبرابيناز اقبال بنده نيست که هوا خوب شده بابکه اقبال خـود آن وجـود ميساراته طبال های شواره انظام سلام اموده و د ه **در تعقيب متحد** الاليكه وزارت ماليه راجع وك حمله وود اأكاربخ أوزدهم شهرجارى است ، برای آسایه این مسئله مهمم مخصوصاً به یه مسرس کم حکم حکه وقلی می بید نوپ هم از ( پرت مير ) شليك كرميد به يودجه سنه آلبه بعموم وزارلخالهاارساله ي بالسد وشمناه ورقه كمرفه توزيع و بالسد المواجم به قصر شرفيا بي سوار اسب شوم كمالت داشكم و به محض ابن كم مشرف شدم ر این آثار زوجه ( ها ردنیك ) از پله الموده است وزارتءدليه مدغرل كهيه يودجه جهل و بج رای اخذ شده از انجا به حشمهه وجودشريف بلازمان عالميه افتماد فورأ كمالتم ممهنمع عد و اكنون حالتم فوق الحاده ، سنه ابه خود شده از قر ارمسموع مباغی پر بود جه فرود إمده در صورته که اقاب سو وار ی يلوك افلر رفله در ألمجا أيز عرفه الوزيع اضافه حواهد شد من از ان ان حکومت است ... الم المالي المعلم المالية المواجدة المعاملية والمعامة المحمد المعاملية المعام المعام المعام المعام المعام المع الح**وب الحث الـ •• ] • • الـ بي م**سول لا أن الله المحمد المعامية المعامية إلى عوام المعام المعام المعام المعام ا بر سر إنداخته و منشى و طيب-ب فغه-د اییب، در این ،وقع صبت شدا مجلس را کرم شکرد، و خیلی مااسب است حکا بق یه مذ آور ( دکار سایر ) همراه وی بودا د . تا يېست و هشتم به خپروز کوه ا مما جمت از وزارت داخله پاداره حکومت اوشته شد. اجم به مُوضوع مذاكر. نقل بي تنبذ معان في منه المان بدين اله المن الم ر فورا داخل الوميبل استند و در قناى استخراج اراء بممل خواهد امد که جون اداره پلدیه هنوز شکیلات خودرا مُراحب خاله أز شما ممنون مُبشود و فويه قُلبان و حياى و فهوه و شر به مه هماری حرکت نموه، سیس الو میبل (کولج) رسد المحمد بدا جدم المحمد الم المحمد المحم ا النظ یا قرنسول دوس مدنو بینسه كامل ته موده ودرارخ ارزاق مداخله قدارد رایس جدید و بعد الومیدل های ( گفت و (ریسن) و رؤماء اسبـق برا ، افقـاد . م، از شوشتر بوزارت داخله اطلاع م ادار. حکومتی کانی السابق در ارخ ارزاق المابلده شخص جرج بإدشاه در مهان مشايمين مراقبت كأبل بمدل آورد دمند که مسبو زالمانف خود وابه جرال · آراء ساوجبلاغ را بخوانیم? کابلا جلو، کر بود، ایلجهان کانادا و آسترالی وأسوالكرى زوس مفرقتي تتن تمايد درجالتي وضعت المان وضعت المان - لندن - ديروز شيح يك ليره وكار كران يزور سر نيزه كاو يخواهند. ايز حضور داشتند . بمحض الكه جنسازه أز طرف وزارت خارجه يسمت والتنطى To منتور السلمان از ساوجبلاغ باداره براه افقاد موزبك كارد بنواختن -رود ،أكم مُعرفين تسده أست المذا لازم است وزارت (بازیش ای سربازان مسیحی!)امو دموجها ر لمبلبة از وزارت خارجة موضوع فو ق را استنسار و سعت مشار اليه را وسما مترق

جكومقررا يرتداده اند اخذ آراء ساوجيلاغ ممام شده هنوز أخذاراء شهريار خالمه ابافته أست آيا اجازه مهدهبد شروع بدرالت آراء ما وجبلاغ معوديا بنك بس از المام شدنكار سندوق آراء شهرياد شروع بقرائت يابد the winter and a set of a little the set of المعاينة المعاينة المعالمة المعادة

منيز عليمة استخراج آراء قمتر قرين منظرها به الترات ( ٧٠٠) رأى إيسابند ك اليبيان القناب عداد المجمع المعاد الا the best days of the art حجة الاسلام آقاى حاج ميرزا عبداقة مجتهد طهراني درموميتك آقاعاج شبخ البراقين براي ملاقات آقاية جامام إدمدان جركت المودقها بعان ايز، بالغاق منزى اليه بعمدان وفلته مد از بالم المالي الم الم الم

اجار واحلة برمل ن بالمربع الثلية المربع ال المربع بن بناز بروجرد الكراط به وزارت داخله الجلاع مبدجند كل جريان انتخابات شهر وك

the finite and the sing was weather

لَهُ كُلِّهِ إِرْجَوهُ إِهْمَالَىٰ أَرْ عَلَمْنَاءَ وَ الْجَنَارَ فَ كسبة كسابل غومن برائه البديد حجج أسلام مودة برائ بروز احساسا ت د وا مُسْجِسه اجلماع كردة الد الله الما عارج المر انجن های جزء حکومت در جز ، بوزارت داخه اطلاع ميذهد كم المجمنهاي جزء الثخابات را لشكرل دادة المجتنب مركزي خمازدو وووديل مشقول دادن لمرقة إست كمرفه كلات وأسل شده

اخير وصول أن رسيده است كمرفه به تشرخس إرسال مرديقة مما قرب فإن جا خواهه The first of the second s 

may a malant inviter it and since

at the set of the set of the set of the

ويتجارف تعطيل عمومي عديد المراجع

وهمر الكرالة الوزارت داجه اطلاع مبدهد

الم آتاي تين الدولة مكران بادر أز.

ماری ، از اور از ایران ایران مرد ازاد

بن بسرائيدن سرود (اي فروغ علوه-ت يخش ما را هدايت بن ١ ) قمود • اياني که از کتاب مقدی خوانده شد عبارت بود از مز،ور ۲ ۲ ما یک قسمت از الهامات وبأكابهاز كتاب ( مبكا. ) · إبــه الحبر الذكر أبراست فحدا ازتوجه وبخواهدوقق که ( هاردنبك ) بریاست ج-هوری التخاب فَمَنَ حُواسَتَ سَوَ نَدْ إِدْ كَنْدْ جَوْنُ كُمَّاب وا ماز كرد أبن أبه أمد . بارى بس - dia الا مناجات وطلب منفرت سرود ( إى خداي مَنْ قُرْبُ حُوْرارَ بِلُو بِبِدَا رَدَمٍ ) سروده شده و بعد از ان استفار بعمل الله . در خالمه جندين منار كراى اخرين مرابه بأخبازه وداع كردند . . . . . . . . . . یاریس اسه مراسم عن ا دار عدر د و روز جمعة در ليازخانه امريكاني موسوم به ( كرليته) يراى مسترهاردايك رابس جمهورى امي يكايسل آمده الت المراجع المراجع الم روزير جنك دمايند و رئيس جمهو ر و وزير بحريه را در اين كمريةات مدرفي نوده است مار الله ( ب ب ب )

مادل ۲۷ مایون مارك و طرف عصر ۱۸ ... خیر واسله از برلن آشمار میدارد. دېروز ( گونو ) د لېس اوزراء د ي على قورا إظهار داخت : النام عليه و. لت المأق أز اعلى 6 الكلين به بيوجه خوشنود امهياقد . دولت المان أبدآ نميتواله الأضاى فرانسه را رام-م بنا-که إمالی ( روم ) بيسكويد دست از استقامت منفسه المكتند 

i tank of States

قواعه متصرفه لقسير دارند زيرا از ومان مسرف ٩٢٠ بغارالما في راغاف كودم • ١ المرارا حكوم إعدام كردم - مدها لفرزا كبعيد ر دينسو دهمنا و تنبلها و دسر قت لموده الله ال از زمانیکه قرآنیه و پلژیک اواحس 

کره ۲۰۰۰ پیوجب کهدیدات اخیزه معسادی کرم الماماي ذكال يدست فرابسة والهتريك الحواجد افتاد المن هيج فاوت فخراهه كرد الجك من أهالي را بادامه و عدت اسلقامت مظنية اوسبة كردة ولى مقلحت تَجْنَا لِسْتَ كَارْهُر كات مینه میلوی ؟ ناگایست و جنایت اختراز انند · مقوط قيمت مارك بدارين بلائمي است كه المسان دجار آن کردید. و پیم آن میرد. که در لليجه أين والمه و مجامره إقلميادي واردات آرامان بكلي توقوف بقود و بل بر اين إيد بمر طريق وهد أز كزل ماراد مالمت إسل، آدره ، المنه درات الست كم بك قرضه داخلي بمبؤان مارك طلا تنوده . ماليات افزودشوصلمت را ترقى دهد باال أمركى براى تتبت مبزان مارك مواجه با وظيفه بسبار . هكلي كفله . لأزمت حتى الامكان متدار وأردات محمود شده و ازمادراتمباعدت بسل ابد دولت المدردقال و كواه كه ومن شده بود احتى القدور بداى بهبودى اوضاع ارزاق

كان كردم مك است مدا في ركبتد بعد ملقف شدم 6

مدأى نبر است حلا نجه ساعتى إست قدريها ، . . .

ويدند كفت : "ك القريبا ساعت جهار است

الله الأربينية، كانتُ الله تسبيو داوال هم هانجاست ا

المستعلمة الموزان كفت : \_ أنطرف حسارت خوابيده

الأو دختر خبوان مي دو مي كرسيد لد و مي فو

أرديد دأشتاذ كألجه سننذ ضدا بكنندس فراه أبز لنك

كمك بخواهند أبدأ جرأت أميَّ كرداد ولي أُحْوَرَان

فريادى كثيد يلك نفر آدم تزديله حوض وأه ميرفت ف

المُوزُانُ كَفَتْ : ٢ هَا مَ كُوشَ كُنْ مَثْلَ ايْنَكُ

AND THE STREAM THE MARTINE مدينة المنتقر المنتقر المنتقر المنتقر المن المنتقر المنتقر المنتقر المنتقر المنتقر المنتقر المنتقر المنتقر المن المد المراجعة : محدعلى - كانالبان المدينة الحسب بمرجعة : محدعلي - كالمالية في المربع المربع المحالية الم المحالية بالم المحدولية الما المنون المعرفة المعرفي الم

يكي إز وسايل التعاد لمدنَّ با شكوه مقربٌ قر ايران كم النها طريقه المجات و يكانه وسبله الرق ما الدرانبان. امت گرچمه و کالهف کلېجديدو منيدة قراطكي،است ا مخصوصا فصمي مكايات كه جون شامل حوادث مداي واضحي در سكوت شب شنبده شد ولي يقدري. شکمن آور است خوالنده را بر سر شوق آرد ولکات و مملى ولدى أروبائى بمتر در خفش قائبر كند وبراى طبقة عوام و آنهائي كه فقط سواه خوالدن و أوشق وا داراند بو اسله دست أس الداشين يكتب علمي قرائت المحتفي المخالم از شنيدن ضداي اير از جاي خود برخاسته این قوع کلب پسپار مناسب و لازم میشود (این است ) پنجره اطاق را باز مسکرده اکامی به برون الداخت که حقیر برای خدمت بنوع و انتشار مسارف ارویائی | روشی ماه بروی خرابه های صومه کهنه قدیمیافتاده این جلد دیگر از البفات اویسندهٔ معروف فرالسوی اود و منظره غربیمی تولید کرده بود اینجا یک بد نه موریس لیلان را ترجمه کرده ام یدان نقار که مردم ا دیوار خرابه سرایا ایستاده ، آنجا یک غطبه از سردو

ملکت ما آنرا بخوانند و گناوتزندگی ما و آروبانیان خروبه با نکه مای در و دیوار روی هم ریخته لماش بودی ۲ المن المحلفة المند بالسوران كمن : - من بكدفه ازخواب فريدم وا بفهمند شاید بنگر اسلاح آفلند و در صد مسب مرك بری را ظامن مینمودند دانش اووبائی بر آیند این اووبائی بر آیند ایرقافله کا بعدر لنک است ا باد خبکی مبوزید و برکهای سیز درختان باغ را که در سمت واستُ عمارت واقع بود بحرکت میآورد يمواد المراجعة الم الم که ذاکه. مان صدا شنیده شد .... م ما به ا**فضل اول** المحد ال ، الا المعنى الله بين الله من المعنى الم المعارية المعالية الم ی جن زاندی به ۲۰ زی کر از این می این این ریمند کو ش قرا داد دو دهمه این در این حَدا شَمْنِفَ يُودُ كَمْ تَمْكُن المودَ حسس زد از ازديك المَنْ بِالْدُورُ أَمَرُ أَطَاقَ تَعَالَى أَنْ عَمَارِتْ اخْدَاتْ تَشْدَهُ أَلْ فاز "بان حراحتان المودة باغ د روند ۲۰۰۰ کو همی ۲ ۲۰۰۰ کو همی ۲ ۲۰۰۰ شنبدی سدای کو را ۲۰۰۰ کو همی ۲ ۲۰۰۰ کو سال

ابن دفعه سدًا از زبر طبقه ای که در آنجا در الحاق طالار كمي زاه ميرود من المله من المله خانم واقع بود به أز أطاق که در شمت مفرب میارت قرار داغت شنیده شد ما الله الما كنت : \_ له يدر تو T نجا كواليشقة خطرى ابست دختر بوان إيدفه مرقدر مم مجاع بود ازكرس لباس خودرابر - من كرده قصد فرار را مود الموزان كفت 1 المجلور الحارى تراىما المت المراو المعسك معهد این اثنا مدای ضعیف آرزانی از اطباق عاور غابده ميند كه مي آمة : "ريمند . . ويمند است جعلور من شنود الم .... الله مع معمل المسار الما ويملد يسمت صدا متوجه شد ديد دختر عمويش سوزان از اطاق مجاور با إضطراب امام وجالب أو دويد. خود را در آغوش وی افکند. کفت : براهما به اند که تردیک پنجره شده بود نگام به بعرون آلداخته

ريمند كنت : - بل . قوم هنوز لخوابيده أ

قساره ۱۱۴

malar a land of

ing to grange a star while go

شار ۱۱۴

حزب وماي را پانهام تحر يك طرفة اران خود شان بدارتکاب جنایت و تلدل اخضار « يمجاكمه نمود. • سه نهر از وزر ام اسبق هم كه شش ماه قَبْل از طرف ( استا، ميو لينسك ) منفصل شداد بجرم ألكه إلا ساير وزراء المور حاربه شركت داشته دستكر عده الله، ال يبدير أوت شوته ورو الت

المعقب إلى قراف لكه كفته على شود دوائر نسواسی قسد دارند احزاب مختلفه را که سالك آنسا مندان با يسحد بكر دون ليجت متحد لموده و جند حزب مهم المكمل دهند ودين طريق كه دمكر الواى مل و حزب را يكال ارق خواد مشاركا العلاف قانولى خودمان و خزب دمكرات أجتهائى والمسابر اخراب أدست حت التلاف كار الم و المحكول دهند

المرابنكيات ٢٢ زران ١٩٧٣ the interest of the second second 12 Carls maked • • a martin at the فرالسه و روسيه سا والى الله یاریس ۲ ۸ ژوأن - در خس وذا کرای کم امروز در علس شورا راجع يوجع سنة ١٩٢٢ بعمل آ مد قضيةاجديد ورابط سباسهر با دولت ساوت روسيه أز طرف ( غميهو أ لدره إركن) مطرح بذاكره مسبو پوانکاره هم اظهار داشت : ماسيات ما يعدال الم بان الت م

دولق كا بمغرامة دولت ديكرى وي را يرسمهن كمناشد أأخبار بابتكي ذبون اسلاف خودرا سهدكرد .

معبور مرقن ) مم جوابا اظهار ( معبور مرقن ) مم جوابا اظهار المعبور مرقد المعبور المعالي المعالي دولت ساوت ورسيسة بك دوات أقتلابي ميبادة إليته مسترليت تتسداني ك مولت ازارىيفركت فرالسه مركك الم حنار از علبدن ابن مطلب جدا اعتراض گردند . اعتراض گردند . يو إلسكاره هم جواب داد : من

حرضد البيستين جدوا المعاد كأبن وحرف I have be a place of a partie المراجع المراجع

State State Street States and laki laki laki وزارت عدليه عترما خاطرهموم را مستحضر مبدارد كه اولا يهيجوجه محتاج يسلعدم جديدى تمىباشد واكراحتهاجي هم يبدآ برد مطابق قانوناستخدام بدوأه تلظربن خدمت خود وااتيا متتغارين خدمت ساير وزارتخالياكه شرايط اختصاصى خدمات عدلبه رأ دارايا شندمةدم بر ديگران خواهد بود بنا بر إين بهيچ وج، به نقاضای ارجاع شقل و يا اوضبه وسفارش كه در ابْنْيَابُ ميرسد كراب الردادة تشده و البلة آقايات هم كه مراسلات آلها در اين مُوضوع بِلا تُمَدِّبُ وَبِلا جرابٌ بِمَا ندحق كله تخواه: مماشت ثانها – وزارت عدله اشخاصي وا كه مطابق مادة ٧١ قالون استخدام مبتوانند منتظر خدمت محموب شوقد قربالدين كرده برای ] نها اندارك شنل مناسبی خواهد قمود ابنا بر ابن از آقابادی كه میتوانسند منتخل خدمت محسوب شوند كاننا مي تدايد كه از مراجبه يومبه بوزارت عدله خود داري امايند الم برای اسین اکارف قطی و قالونی آنها وقت بیشتری موجود کردد ا... اعلان ۱۳۷ ( وزارت عدليه ) the state of the

فيلهماي عكاسي ويبعدهم الم حمة لمرة جديدًا وأرد لا المام تشدَّه از مواحاته مدرن واقع در حيابان اصريد الماع المسلمية المعدين على من من المن المعني المعلمة والمعنية المعالية والمعالية المعالية المعالية المعالية الم

19 . . . . . juigtage al infant way in من من المان الم يكي أز مهم كرين اعضاء ما له الما ن الت و محا فظت آن الْيَ هُوَ خِبْلُ وَاجْبِهِ أَرْ ابْتُ يَبْتُرِينَ بَرَابِياتَ أَوْ يَرْاي مَعَافَظُ آنَ استعمال دالطالان طل اربن خدير دادان فراله أست كم در المام دُواخانه و مناز. هاى مهم بفروش مبرسه 

1.4.3.3.4. B. 1.4" ........... and the state of the second state of the secon المربع المعالي المحت "جلدى مطارسان يعير ممالجه عوارض سفايسي سد ها اشعفا ص را از مرض کب و نوبه های تازه و کهنه نجات داده المعاد العامية المحالية استشمال جند دانه آمیول مطار سان رفع جوش های صورت و بدن و کچلیدا مينما بدي يسي المسامي كم بأمراض فوق مبتلا ودائما مو حاريد اداستمسال آميول ملارسان حموة مأوى والحفلت النيانية من ياه المحمد المرباني الجملية العظم لا الالحلي يترادك 

I a state man list the for a lay of being a state of the داده و هزاران اشْخَاص را از این بلای بر مثقت لجات پخشید. در دوا خانه مدرنواقع داده و هزاران اسعاس را در این بال بال در خمهابان آاصریه بهتهمت مناسب بهروش میرسد در خمهابان آاصریه بهتهمت مناسب بهروش میرسد آمرة أعلان ١٣٥

1 de suger states to

زان شیرده ب اطال شدن وغیره وغیره و . به به لازم است که عوم در صدد از آمده بوسیله دوای مجربی بدن را قوی د اشته أو كاربولهاى أرمن خون كه لشكر، بدن محسوب من غوله بوسبله آن ذوا اضافه شده كا بمدن در مقابل مُبكروبهاي خارجي كه عيارت اؤ دَعْمَن بَدن اسَّتْ مقاومت كموده مشوق بهاد از آبزوا اسدای رسا و بن ای فشت مما ها، معد المربع ال الص مالة مستجه ، داراى اركبينات طبيعي است سه دسته بزوك مواد غذائن ، که برای حبات انسانی لازم است دربردارد - اقیین را بواسطه آثار مشمقع خودفریه میلماید. حواليني كه بس ازرخع حل دجار بي خولي ويريد، رنك ميكردند بواسطه اسميال أوماليتن خوف يدن أنها ويادكته سرخ روكونه ها كلي وتك سورت بشأش وفريه، بشوند ... الى ماليه في شهر زان شیده را زیاد میکرداند ودر شدیر اثرانی پخشید. که اطغال را قوی مید-ماید. يعتصوص موقع رشد و نهو اطفال استجهال أو مالتهن استجوان آلفها وا حكم مهكردالد. يزاى اعخاص عصل عسوساً. آنها ثبكة بسطالمه ركعب و انداء مقالات مشغولند و زحات عن ودوحن آلها ذياد آست العمال أف مالندين بسبار لازم است قامواد خلفودي کرماغ بمصرف میرساند ادار مایتجلل اموده رقوه حافظه را لکاه داری کماید خابرای اقات ابن معها والراب معجز نباي ابن يدول إز اشخاصيكه اومالتين را أسلسال قموده تحتبق کا الراجد آن مكمون كردة - حلي نغار به الماج فيكوني كم أين دوا در المه أرونا ظهر ساخه و قيد الا م در ايران عل ترجه عد الف اخانه ونايد في وارد ادودو و روم و طنان خود مزده میدهد که ای تعند قوای درانمو روچور پدین و معرون بودن از بعض امراش التصب في المذرق بيباد الزم و منهد غواميد بعد

محمد بالمحمد العن العن العن المحمد العن المحمد المحمد المحمد المحمد العن المحمد المحمد المحمد المحمد المحمد ال المحمد المحمد

ی ... ارم فردی لازم و واجب است که ایای حبات و زندگانی بدن خود رافوی

دانته خصوصا إنخاصيكم داراى اسلمياه مزاج كمبى و ارثى براى أخذ م كوله المراض

لما ، وَ مَنْ مَنْهُ مَبْمِ المُلد - ( مُنجاس آلم،ك ( ) مَ خوتي ) مَ خَدَرات إِسْ أَزَوْضَعَ حَل -

مر مرس فواجانه پايدتور خيابان چر اغ برق ظهران = ما به تعلق ۲۹۰ کنیمه این داد می با به شامه **۴**۰ می به به م

المراجع الم الم يستوم آقايات مواسفروشان مركز و ولايات اعسلام مي شود كه دينيارت خابه عبد الله ير زاده شاينده كار خانه هاى دوا سازى فرانسه مدر إيران از اين كاريخ بهريد خود را برای الجام ها نوع فرمایتات حاض ندوده و بواسله دارا بوده وسرابل بزرا و لمُضْمَنَ دُوَّ أَنَ شَيْمَهِاتُي دُواجَتَ أَمَرَهُ أَوَلَ وَأَرَدُ وَ يَقْيِمَتِ إِجْهَارَ كَازَلَ فَقُرُوش جَيرِسَائِد سْغَارِشْ أَزْ تَمَامُ وَلَأَياتَ فَيُوَلُ وَ إِنَّهُونَ حَقَّ السَّمْ فَوَرَأَ أَرْسَالُهُ مَبِدَارُهُ شَمْنَتْ بْخَالْبِينَ أَقْلِن كَجَارٍ عَمَدُهُ فَرُوشُ رَأَ مُسْتَحَضُرُ مُسْأَرُدُ لَهُ إِنَّ لَجَارِ لِجَافَهُ مُفَارِشَاتٍ مُسْتَقْيِسُ في كَارِ غَانِهِ های فرانه، نیز قبول می نماید . ، عنوان مراسلات : طهر آن عبد اقد بیر زاره . ادر بی

المكراني : طهران سَاحُبْ كَلْمَنْ : بَازَار امره ٢٧ - عَبِد إلله بِيروَاده مَا مَنْ اللَّهُ اللَّهُ ا		The second se
، المعنى زمره العلان ٣٠ (٢٠ - ٢٠ - ٣٠ - ٤ - ٣٠ - ٢٠ ) ، المعنى من	ا فرسدای ارك اریاك دكتر ابرامیم خان ظهیر المحماء كه جندین سال است در	3 3 7
and the second	ارك دادن مقادين الرياك در المام نقاط ايران حموما و دو مراق خصوصا خدمات شايسان	1
ا از مراجع هو معنی می است. از معنی از معنی از معنی از معنی می است. از میر ایس است های معنی از م	المتديري الموده است وننابج مطلوبه إن در نزد عموم مسلم، و لازم بسه الجديسة معرفي	
Le presente a service	نیست در این موقع که از طرف اولیای دوانردولتی حکم اکبد در ما اجه و ارك تمودن	1、11、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1、1
مران محريد بعق من	مسادین نریك صادر شده است لهذا خاطر محترم اقایان معادین را متذكر میسازد كه یعاركی	
	مقداری قرس وارد پر تموده طالبین درسرای ادیربحجر. میرزا عبدالزسمن امینیان ناجر	
		· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·
الدن مكتوبي ٩٠ ٢٣٠ ٥٥ - ٤٤ الدن	همدانی زجوع فرمایند بدایند. برك تریاك دكترظیر الحکماء سلمان یارسا	3.4.3.5.5
الكر افي المراجع على المراجع على المراجع	املان ١٢٤ ·	
وادیس سویس می در مدینات می اوریک می است و مراجع کر استانی می مراجع کر استانی می مراجع کر استانی می مراجع کر استانی می	اجع به حب ترك تريك	うふうたち
مویس ۲۵۳ - ۲۸۳ - ۲۸۴ - ۱۰۰ اسالی : ۲۰ در به به ۲۰۰۰ - ۲۲۲		set at an it is a training of the
رو به بعثی - ۲۹۰ - ۲۹۱ ، د سویس ما د ۲۹۰	وَسَتَنَ أَسَمَ وَرَ دَفَقُ أَمَيْنَاعُ دَارَادُ بِهُ تَصورا بِنَكُمُ شَايَدُ اسْمَشَانَ دَرَ خِرَالله دَرَج شود جو ف	and the second
The second		
المنام المراجعة على المراجعة ا	اسم را درا خانه موقوق مبدارد برا درا خانه موقوق مبدارد برا درا خانه موقوق مبدارد برا درا خانه موقوق مبدارد	the deal have been a set of the s
	1 · · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	
	an ann an tha	

سال اول شاره ۱۱۵ اول اصلاح انتصادى ۴ شنبه ۲۳ اسد ۱۳۰۲ . صاحب امتیاز و مدیر مسئول : داور اء\_\_\_\_\_لانات )]])/ ۱ قران المارى صفحه إول ۱۰ شاهی شقحه دوم ورسوم • صفحه جهارم محل اداره : طهران خبابان لاله زار - کوجه اقعادیه

٢ محرم الحرام ٢٣٣٢ ( ١٥) اوت ١٩٢٣

Ċ	کی ارسال تمیشود	کتبی بسرای	بدون تقاضاى	روز اسامه	اين
		شتر اڭ :	وجه ا		
	عمل م	4=122	ساليانه	٨	<u>6.</u>
1	۳۰ قران	. 00 قران	۱۰۰ قران	داخله	
	·	ا ينت	بملإوم اجرت	خارجه	
		، ۵ شاهی است	فبدت كك شار	•	a

لو اخانه نظامی حاضر است

که اجزاء ممتاد به آریاك ادارات دولتی اءم از افكری و کدوری را بطور انترات التزام در مدت قابل از مسمو میت افبون خلاس لهاید الدر: اعلان ۱۲۷ بند تجد اس مراجعها محمد المؤسطين المراجع الم الم

بروزوبا

وزارت امور خارجه بموجبابن اعلان خاطر كابه مماترين بين الهربن و زوار عتيات عاليات را مسيوق مبسازد كه جون بنا به اطلا عات واسله اخيرا مرض وبا د ر بين النهرين يروز ورو باشتداد كذارده است يرأى منع شبوع مرض بأ موافقت مجلس حنظ الصحه دولتي قررشده آست كه عجالتاً بمسافرينيكه مهخواهاد ازابران به بين النهر بن عزيمت المايند لذكره داده النده و از حركت آلها جلو كرى بسل آيد و همچنين بدون ارائه اصديق كانتيع ماية ضد وبا يكسى اجازه ورود بأيران داده تمعود الم تمره أعلان ١٣٨

يرداخت المان كم بواسطه كزل قيمتماركتادو به قرض دادن تبت أيطالها هم از مملكت ما خبلي دور و در آیران مناغمی عدارد آین دول را ک ز مورت میالک منظمه خارج کر دید پاتی م ماند آمریکا و انگلیس امربكا بواسطه يبد مدافت وةداشتن منافع اقتصادى در ايران مايل بەقرش دادن انكاستان هم كه همسايه مااستونظريات سیاسی در مملکت ما دارد. یس چه باید کرد ۲

تنها راه این است که واه آهد. سا بوسيله بك شركت ببن المللىساخلمشود . جه شکل و پچه ارایب ۲ – چد در این پاب صحبت خواهیم داشت .

اخارشهري ورود خجج اسلام

اقابان حجج أسلام دوشنيه وإردسلطان اياد عراق شدند

🗠 مىآفرت پە قم آقاى حجةالاسلاماقا شبخ محد أبين خوثهم روز کذشته برای ملاقات و مذا سی۔رات آقايان حجج اسلام بطرف حضرت مصومه خركت كردئد

مراجعت به إرلن از قرار اطلاع اخیری که وسیدماست اقاى اتى زاده به برلن مراجعت كردند ورود بلمران

اقاى احتشام السلطنه سغير كيير سابق

تا بسمال برای شما کفتم روین خواهد کرد. سوم متفتق که المان برای خودمنظور | کرفت است که یا بن قیبل آمور تعقواهد داشت از همان قراری بودکه راجم به منتمت م کیلو متر واه کددا شته بودند : دولت عثماتی می بایستی پرای هر کیلومتر اد اهن سألى بانزده هزار وبالصد مارك طلا منساقع المحكيم مودت با عثماني في أبد بنا بن أبن المبن يكند منفعت چهارمی که به المان میرسهد ابن يود كه نيئانچه عوايد راه اهن از ده هزار مارك در هر. كيلومتر فجاوز كرد متدارات ان به خس به دولت عثمائی و دو خمس به كميائي راء أهن داده مبشد . این بود شرایط قرضه متسالی . اگر ملکت دیگری قرض میخواست یقیسنا جان الدازه مر ماية را با اعاف ابن الحميسلات یکن یود پیست آورد . ایلها همه پرای اين بودكه عنياته بك دولت مدرق زميني بود ا اعتمار تمني كردند .

> الحيرا هم عثماني يك معاملة ديكركرده امتياز جستر وا بأمريكاني هما داده . جون امروز حم اعتبار مالى تدارد از با او شرايط سخلي كردة اند: 🔅 💯

عثما الى وسأبل مالى براى دادن وثبقه لداشله أز منابع أروت خود وثبته داده آست • از مُ طرف زاه اهن بِدرض بِيست كيلومتر نمام منايسع ثروت را باختبارساحب امتياز واكتذار كرد. • اكر نظرى به تشه ببندازيد خواهيد ديدكه المامعادن لفتارض روم جزو ابن امتياز إست.

این انتهاز را امریکا کرفت زیرا که امريكا يكى از دو ل معلمه است و إحريه بزرق برای دقاع حقوق إلباع خود دارد. اين بود حقيقت بي پرد. حال اکر ما بخواهیم در ممالک خود راء آهن بكتبم - فتط سرمايه داراندول معظمه بيها يول قرض خواهندداد . آيندول معظمه كداءند ا

فرالسه بساندازه ای در دا خله خود اسلامول دیروز وارد طهران شدند.

این معارف را خواب کنید اقای مدیر از شما متشکرمکه ازیدو یزور مردم ابن سر زمین را آدم کرد ـ کاسپس مرد ازاد پس از بحث د و ازوم

منهم مي ڪويم يا کنٽن حقيقت کلخ يايد مطالب رأ ذر سنامه ملت تجبب هرطور هـت جا داد .

واهمه المنبيد ا اكر يا صطلاح شما بك دوجين نالابق باجهره عبوس از ابن مقالات أظهار كله كنند . در عو ض عده زیادی هنم از شما متشکر خواهند شد . حال پروم سر ،طلب : این وزارت خانه و این مدارس را باید کویید وخراب کرد ـ ان وقت بك وزارتخانه و مدارس حسابي ساخت و بمردم فقان داد ممارف جیست . مزاج اسی کتم عسبانی هم نشده ام. چی از مدت ها فکر بالا خره این متبده می می از مدت ها فکر بالا خره این میده می می دو من وسوخ پیدا کرده غیر از این جا رئی می می و المان و دوسیه در عشانی وجود البست دايد اين بك سال كه ممارف رائرك بالحاشت - در أن زمان الزم أ لمان م طواست در شیاست عالم یك عامل بزرك شود درمقام نغته وارد سعفه سياست شده ايد خرايي ای وزارت مبارف را فراموشکره، اید عثما ای مملکتی بود که جند رقب بزراد م اكر مثل من مجال مبداشتيد كقدرى خواستند أورا بطرف خود جلب كنندوقاءدكأ در این حرابی نامل و غور کنید خیلی زو د معقد می شد به که هر قدر در کنیز این وضعیت شهل الکاری شود کا ر مفکل ميعود و الوقت در الطبل ابن معارف و اصلاحاساس أن ميدم كن مبتديد راست است که از صدر کا دیل این علكت كسيت يسأرف بي علاقه إند(ازهمين وا شما این مسئله را می توا تبد استنباط کنید که الان چهل زوز است وزیر مارف به خارج - برأى بديرائي قايان علماء فر ستاده اند - و اثری از ایشان بیدا لیست ۱ مکر قمی شد یک افر دیگر از وزرا وا فرستاد ۲۹۱۲ برای اینکه زیاد یاکم از ر وزیری کاری میخو استندولی از وزارت معاوف نوقع كار الداغلندوزيرش طرف احلياج ليودم كمقنديرو مهمان دارشوا يكنفرقائم مقام ايشان هماكن يخواهد فمألبت يعفرج بدهد جون المته اختياراكي تدارد تمي كواند کاری بکند که اساسی بانند) .... المر حال من اجمازه می خواهم که علاقه خودم را در ضمن کشریح او ضاع قملی

> اروپا به دول مشرق پول قرض امیداد تد و حال آلکه در آنوقت سرمایه زیاد بود و انزیل پول فقط شه در صد امهوز دوات فرالسه و الکاپس با سدی شدی رہے پول قرض می آنند . از این رو معلوم مبدود که حالیه سرمایه کم است زیرا بطور کلی التزبل بول بسته به كمي و زيادي سرمايه | المانها مي شد . . . . .

شرايط المان واجع به امتياز وإه أهن مى اَبِن مِعِلْمَ خَرْجٌ لاَزْمٍ إِوَدْ دَرْ جَلَّكُهُ هُمَ كَبِلُو إ متر راء بيش أز مد و بست و بنج هزار

بابستي خبسلي يراى عثماني مساعد باشد مدلك بيبنيد با او جه مامله أي كردند. إراى كديدن خط أهن دولت عثماني زمين به إامان مي داد ، دولت عثما لي بشا بود از المان هايراي ساختن وا، بول قرض یکیرہ و هوض این که انزبل پدهدیتر ایپ ذبل ممل کند : عوض منفت دادن - المان قرار كذائله يود كه هن كالومتر رأه أهن فلان مبلغ در سال هايدى داشقه ياشدواكر عايدات أز إن مبر أن كمتر بود دولت عثماتهم دستي تفاوت عمل رأ از جب خود بردازد • 🖉 👘 عنياني برأى الكارمة ١٢٩٦ كرودى مارك طلا أسهام جاب مرد ٠٠ بالكي كحكه وأسطه ممامله بود با لدازة حق الزحة دريافت كرد كه فقسط از مينسخ مذکور ۱۸۰۰ کروز بخزانهٔ عثیالی واردشد . يس دروحه ارل ۱۹۳ کرورحق السی ، به بانك الماني رسيد . ازطرف دیگر در موقع انتویم - مخارج م کبلومتر راه اهن را دویست و سی هزار مارك طلا بر أورد كردند . ابن بر أورد بوق العاد**، يود · بعثي ابن الداز**، خرج نمودن اكر دريعني قدمت هاي كوهستاني

است ۱۰ اگر سرمایه فراوان آباشد مساحیش

به لنزيل كم راض مبشود و جنَّالسِه المكن ُ

در صورای که امروز سرمایه کمتر از دیل

از جنك باشد بديمي است براى دول مقرق

زمین سمب در خواهید بود کم از سرمایه

خبر از علت فوق بك دليل ديكر نيز

باعث شده که سرمایه داران اروپا اطمینسان

ودول مفرق زمين تدارند . ممالك مترق

مجاور با روسیه (ند · روسیه کمام آساعی

خودرا ذر ليلبغ براضد سرمايه صرف ميكند.

یا همین مسئله برای آیجاد عدم اطمینان

، ايست ٢. يك منال مال مرالين داسكه

سر مابه کم باشد ربح زیاد میخواهد .

داران اروبا قرض کنند .

ما له طلا مخارع بر قمی داشت ابن هم يك تقع بزركي بود كايد ( روسيه كه سرماية الدارد .

أصلاح اقتصادى روزنامه شما راجع بسمارف حديشه مقالاتي داشته و نقريباً در هرشماره یکی آز مسائل ممارقی را معارج کرده اید من هر روز إين مقاله هارايا دفت خواندم. هر روز متلفل بودم در میان این سطوری که با کال مقالت - و اکر اجاز بدهیدیکویم-با كالملاجلة كارى ا ــ توشته شده حقيقت بعى يرجه وا بيهام ! متاسفاته قر يب شش **باء است واجع بمعارف جبز مي توب-بد ا** تأبيحال بطور ساده معارف قبل. را اشريح فكرد الد . مراجع و میکنم که اتای مدین محمد و می مزارد. معاوضد و اس الله المع في الم الم الم الم الم ولمد تا اين درجه ملاحظه ؛ اين رادكر اس شود. لعملو. كرد ا - الأج الم برعد اگر ایمان مدر شبه معروع دارلد خود شما جرا از پان حقيقت خود مارى مىكانىد ا جرا یله: روز ساف و روشن خمچو الم. الدارف الدي الويسيد معدارف ما مردان احت الم المراجعة المراجع

إقاى وأدس الوزراء لوجه أنشد ا

ا عصر است ۲ لاید در این بب که شکی ندارید - بس جرا نباید کهت ؟ جرا تعايد أساسش وإ يكلى خراب كرد ... و از هو ساخت ؟ شنايراروبا رفقهماهم.لاحظه کار و گرسو شده اید ۶ حوای این علک اصول زندگانی ادم یعنی زندگانی اروپا را از خاطر شما محو کرده ا محمد خلاصه و دلمنازمقاهده اوضاعمارف

فعلي مي أخراق خون شده \_ مبدالم حرف حلى من يك عد از رفقاى شدا وا كه در وزارت ممادف هستند ازشمأ خواهدر نجاند. حتى ان عجزة هم كه يشت اغلب مهز هاى مُعارف لشملة الد شب هاى ونجشنيه - كه موقع ديدن شمأ است شايد پيايندو از محبت هأى من كله كنند ولى شمارا به خدابكذاريد سقيقت فوشته شود ا مناقع خصوصي الداى منافع عمومى كرددامكر المى ينيددر اين علمت حرف یا مثالت یکوش کسی فرونشی ایسارف ثابت کنم رود ؟ بهمان دليل كم شما مي أويسبدوايد

از سال اقتسادی مكنوب مهم كفتم كه سر مايه داران اروبا و امريكا يقول

ووهده دول مشرق زمبن اعتماد تدارند: قبل از خنك بدون وتبقه سرمايهداران

حزب وماي را پانهام تحر يك طرف اران خود شان بدارتکاب جنایت و تلسل اخشار بمعاكمه نموده . سه نهر از وزر اء اسبق هم که شش ماه قُبِل از طرف ( استا میو لبندى ) منفصل شدتد بجرم ألكه إذ ساير وزراء امور جاريمه شركت داشته دستكرير and the second second

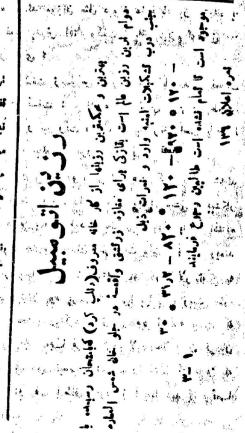
المعقب أن قرار بكه كفته مي شود دوالر مهاسی قسد دارند احزاب مختلفه واک مسالك آنها جندان با يسحد يكر دون لببيت مهجد لموده و جند حزب مهم اعكمل دهند ودين طريق كه د.كر الماى مل و حزب وأديكال كرق خواه مقدركا العلاف قانولى خودمان و خزب دمكرات أجتهائي المساير أخراب أدست موت التلاف كارم كرنه و لنحکيل دهند

المارلينك بست ٢٢ ووان ١٩٧٣ it as a love in the second of the second 10 The second of the work of the second ا فرالسه و دوسبه سا وای ایس باریس ۸ ۲ ڈران - در ضمن مقاکرای کم امروز در جلس شورا کراجع بيروجه سنة ١٩٠٢٢ يعمل آ مد تعزية اجديد ووايط سياسي با دولت ساوت روسيه أز طرف ( غديو 7 الده يرجن) مطرح بذاكره اللغ اجزام الجنعين ويعروم المعتد والع مسبو يوانكاره هم اظهار داشت :

متاميات ما بعنال الم ابق الى است م فواق که پخوادند دولت دیگری وی را برستيت كالدد دا نبار بابتلى داون اسلاف خودرا بعهد لاد .

محمد المسادي بالمسادي في مام جوادا اظمار مسبو فرقن في مم جوادا اظمار ماهت : أتتلابى مبيادة البته مستوليت تتسبراني كم مولت ازارىيتركت فرالسه مرككيشده است معدد وی می باشد معدد وی می باشد سنار از شایدن این مطلب جدا يو السكاره هم جواب داد : من حاجب والبيبتين جدوا الموا المان وحرف

الم البز ۲۹ زولن ۲ ۲ ۹ ۱



الما المحمد ا وزارت عدليه عترما خاطرهوم را مستحضر مبدارد كه اولا يهيمجوسه محتاج يستعدم جديدى تمىياشد واكراحتهاجي هم يبدأ كرد مطابق قانوناستخدام يدوأهنتظرين خدمت خود وتانياً منتظرين خدمت ساير وزارتخالهاكه شرايط اختصاصي العمات عدلبه رأ داراباشندمةدم بر ديگران خواهد بود بنا بر اين بهيچ وج، به نقاضام ارجاع شقل و يا اوضبه وسفارش که در ابنیاب میرسد کراب اثرداده نشده و البته آقایاسی هم که مراسلات آنه-ا در این. موضوع بلا لعقيب وبلا جواب يماندحق كله تخواهند ماشت ثانها - وزارت عدابه اشتخاصي را که مطابق ماده ۷۱ قاارن استخدام میتوانند منتظر خدمت محموب شوند قر باکدین کرده. رای ] نها ادارك شدل مناسبی خواهد قمود بنا بر این از آقایادی كه میتواند مانتش خدمت محسوب شوند کاننا می آماید که از مراجه بومیه بوزارت عدایه خود داری امایند برای لدین الکایف الملی و قااولی آنها وات بیشتری موجود کردد ۱۳۷ ۱۳۷ ( وزارت عدایه )

المارية المراجعة التي عكاسي من المراجع المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة المراجعة ا المراجعة الم حمة أمرة جديدا وأرد لا المام تشده از مواخاته مدرن واقع در خيابان المريه المالي المراجع المراجع

- T & & (all a later and a fer and a fer and a fer and a fer and a و وي الم العد والذ من النظالان . The man I fully a spin the

والدان كل يكي أو مهم كرين اعضاء مانه السان است و أ محا فظت أن في هو جيز، واجب قر ابت يتبترين بردييات أو يراى معافظه آن اسعمال دالطالان طل اربن خديد دادان فراله أست كم دو المام دواخاله و منافر هاى مهم يفرقش مبرسد المرد اجلال ١٣٤ . ورود ١٢٠ و المراجع المراجع و محمد المالي و المرد المرد الم

م مدارس معلم معادسان بعد معلم عوارض سفلم معد ها اشعا من زا مربع معلم معادسان بعد معلم عوارض سفلمس مد ها اشعا من زا از مرض کب و او به های تازه و کهنه بجات داده المدام الما الما معدا الما الم استعمال جند دانه آنبول مطار سان رفع جوش های سورت و بدن و کچلیرا مَبْنُمَا بَدُبُ إِنَّ مِسَافِي فِي أَمْرَاشَ فَوَى مَبْتَلا وَوَانُمَا حَوْ جَارِيدُ ازامتِسالَ آميولمطارسان المتحود وأرى وسخلات البالبذس والمتحسم والماجي والبابي عالمه والحاطي والمح المرة اعلان ١٣٢ ما حيات المراجع الم المرجع الم المرجع المرجع المرجع المرجع المرجع المرجع المرجع المرجع

المالية المراجعة مرض های ترایتر او دکتر ظهر الحکماء همدانی که سالها است املحان خود و ا داده و هزاران اشخاص را از این بلای بر متقت لجات بخشید. در دوا خانه مدرنواقع الحجابان الصرابة بقبمت مناسب بمروش ميرسد الميرين عدين الميرا المهدا المعالية المرد اعلان ١٣٥

عفلت فكنسك المراجع المراجع المراجع المراحيم خان ظهير المحكماء كه جندين سال آست در ارك دادن معادين نرياك در المام نقاط ايران مموما و دو مراز خصوصا خد مات شايسان لقديري الموده است وتنابح مطلوبه إن در نزد عموم مسلم، و لازم بـ الجديـة معرفي نیست در این موقع که از طرف اوایای دوانردولتی حکم اکبد در سالجه و کران نمودن متادین نریا سادر شده است. المذا خاطر محترم اقایان معادین را متذکر میسازد که یتازکی مقداری فرس وارد ( نموده طألبین درسرای ابربحجره میزا عبدالرحمن امینهان نآجر الممداني ترجوع فرمايند براكريون بالمتقلي بالربية مد فليراع the second second بمايند. برك ترياك دكترظهر الحكماء سلمان بارسا ندر. املان ١٢٤

The second of the contract of the contract راجع به حب ترك تويك از قرار مدموع بعض از متادين كه مايل استعمال ابن حب هستند بواسط. نوشتن أسم در دفتر امتناع داراد به تصوراينكا شآبة اسمشأن در جرائد درج شود جو ف فوشتن إسم فقط برأي دانستن الربخ شروع خوردن حب است از أين به بسمد الوشتن بوبه المحمو المبلغ معالية المراجاتة المالع اسم را درا خانه مرقوف مبدآرد المرد الملاد في الما المالية المرد الملاد في المرد الملاد في المرد الملاد في المرد الملاد في المرد الملاد الم

مدور می از معالم می از معالم می از معالم می می از معالم معالم می معالم می معالم می معالم معالم معالم معالم معا معالم معال معالم معال ی ارم، فردی لازم و واجب است که ایای حالت و زندگانی بدن خود رافوی دانته خصوصا أشخاصيكم داراى سلمداد مزاج كعبى و ارثى براى آخذ هم كوله المراض ما . و من منه مبدأشلد - إشعاس آلديك ( ، م خوتي ) - مدرات إلى أز وضع عل -وْالْنُ شَرِدَهُ - المُعْالَ صَعْبَفَ وغيرهُ وغيره . . . ر من به لازم است که عوم در صدد بر آمد. بوسیله دوای مجربی بدن را قوی د اشته

كاربولهاى قربز حون كه اشكر، بدن محسوب من شواد بوسبله آن دوا اضافه شده تا بدن در مقابل میکرویهای خارجی که عیارت از دشمن بدن است مقاومت کموده مصون الصحال المستجوع داراى اركبيات طبيعي است سه دسته بزرك مواد غذاني ا

كم برأى حبات المالى لازم است دربردارد - اقمين را بواسطه آثار متمشع خودفريه مبلمايد خواليني كم يس اذون ع حل مجار بي خولي ويريده رنك فيكردند بو اسله استعمال أو ماليتن خوف ودن أنها ويادكفته سرخ روكونهما كلى دنك سورت بشاش وفريه، بشوند - او مالمن شبر زاان شیرده را زیاد مهکرداند ودر شدیر اترانی بخشید. که اطغال را قوی مین-ماید. يعنصوس موقع رشد و نمو اطفال استعمال أو مالتين استخوان آنها را حكم ميكرداند. بزاى أعجاس عدل عموساً. آنها ثبكة بسطالمه وكتب و الثاء مقالات مشتولند و زحات عنى ودوس 7 لما ذياد الت المعمال أف والندق بسبار لادم الت قامواد فلفودها كدماغ بمصيف ميرساند بدل مايتجلل اموده وقوه حافظه والكاه داري لهايد مربراي اليات ابن سديا والرات معجد نياي ابن يدوأ إز اشخاصيكم اومالتين وا استسال فموده تحقيق كا اثرات، آن مكنوف كردد . على نفار به المابع فيكوني كم أين موا در لمام أرونا ظاهر ساخه و فيسلا مم در ايران عل نوجه عد الى اختان خانك ونايدة في وارد دوده و بهم و طنان خود مزده ميدهمد كم راى حننه قواى دماعد بعرض الله و سود بودن از بسم اماس الصبال الفصالة في جبلو لانم و منهد لمواصد مه

مديرون - لواجانة پليدتور خيابان چراغبرق المهران - معدن العلاق المرد العلاق المعدن المالي المراد من الم المالية المحمد المراد المحمد المرد المحمد المرد ا

int inter have and the second of the second بِمَنْهِمَ آنَقَلِكُ مَوَا فَهُوَتَانَ مَرْكَزَ وَ وَلَالَتِ أَعْظِمْ مِنْ شُودٍ كَهُ تَعْتِيا لِتَ طَالِهُ عبد الله ير زاد. نسايده كار خانه هاى دوا سازى فرانسه مد الراب از الي كارين الم به خود را برای الجام هم توع فرمایتات حاض نموده و پواسله دارا پودن وسایل بزرا و للمصمن دو ان شيمهائي دواجات المرم اول وارد و يقيمت بسيار ازل بقروش ميرساند سَنارَشُ از نمام ولايات فيول و يدون حتى السي فورا ارساله ميداود شمنه عاطين أقليان آجار عمده فدوش را مستحضر، مبسازد که ابن اجرار خانه . سفارشات مستقبور به کار خانه هاى فرانه، نبز قبول مى تمايد ، عنوان مراسلات : طهران عبد الله بير زاده ، ادرس المرابي : طهران سَأَحَبْ كَانُنْ : بَازَار المره ٢٧ - عبد الله بير زاده الما الم 

at my marks and it is بورس the line in the second ، فروش طهسران محتحريد بمنع in die & when المدين المقراف عيد ا قران 1.-41 " ايدن مكروبي ٩٠ - ٢٢ ٥٠ - ٢٤ 14-100 تبويورك . آليان : - ... ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ ۱۹۲۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ ۱۹۲۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ - ۲۰۰۰ YA \_..... YET - .. اسانی 1 30 4121 YE \_ Y. 41+-40 . سويس

شركت مطبعة مارن ،

